

افسانه انقلاب دمکراتیک

پیشگفتار

بحث درباره انقلاب و ضد انقلاب در بین نیروهای چپ گو اینکه کوششی در طرح مسائل استراتژیک انقلاب است، معذالك تنها اختلافات تئوریک در مورد "مرحله انقلاب" را به نمایش نمی گذارد، بلکه منجر به نمایان شدن تفاوت میان خطوط رفرمیستی و انقلابی درون جنبش کمونیستی می گردد.

تاریخچه مبارزات کارگری و کمونیستی جهان از هنگام مبارزات آیزناخیست ها با لاسالین ها بر سر استراتژی انقلاب تا به امروز نشانگر رودرروئی این خطوط در جنبش کمونیستی بوده است. رفرمیسم چه در هیئت شناخته شده رویونیسم و چه در جامعه سانتریسم پیوسته در تلاش یافتن راهی برای ائتلاف طبقاتی است.

رفرمیسم که اصولاً انقلاب سوسیالیستی را بدور از افق نظری خود می بیند، تعدیل و نه تشدید مبارزه طبقاتی را وجه همت خود قرار می دهد. هدف آن تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط می شود صرفاً کسب امتیازات بیشتری در چهارچوب نظام موجود بوده، بدون آنکه برنامه ای در جهت از میان بردن روابط سرمایه داری ارائه دهد. روی همین اصل بجای برخورد به کلیت نظام سرمایه، به دست بدست شدن حکومت می اندیشد، به ائتلاف طبقاتی سخت پای بند است و آنرا تئوریزه می کند. "رهبری طبقه کارگر" در انقلاب را نیز رهبری سازمانی خود مجسم می کند.

در خلال نیم قرن گذشته وجه دیگری به رفرمیسم درون جنبش کارگری و کمونیستی افزوده شده است که همانا جانبداری از اتحاد شوروی و سیاستهای آنست. بدین ترتیب بورژوازی کشورهای مختلف بر حسب برخوردشان به اتحاد شوروی - و نه پرولتاریا - به دو دسته "مترقی - دموکراتیک" و "ارتجاعی - ضد دموکراتیک" تقسیم می شوند. به پرولتاریا درس ائتلاف "دموکراتیک" با بورژوازی "مترقی" در مواجهه با امپریالیسم داده می شود. در همین راستا "بورژوازی ملی" و "خرده بورژوازی دموکرات" نیروهای عمده انقلاب برای "راه رشد غیر سرمایه داری" تشخیص داده می شوند تا با افزایش بارآوری کار (نیروهای مولده) زمینه را برای "سوسیالیسم" آماده نمایند.

مسئله دیگر، درک نادرست از انقلاب اجتماعی است. در اغلب مباحثات درباره "مرحله انقلاب" تکیه اصلی بر روی تغییر حکومت و دست بدست شدن قدرت سیاسی و یا تغییرات اقتصادی در جامعه می باشد، و کمتر به تغییراتی که از نظر اجتماعی یعنی نحوه سازمان یابی نیروی کار، فرهنگی، رابطه میان دو جنس، ایدئولوژیک و... در جامعه باید پدید آید، اشاره می گردد. به همین خاطر، مسائلی که تاکنون درباره انقلاب طرح شده تکیه بر این دارد که در چه شرایطی انقلاب دموکراتیک و در چه شرایطی انقلاب سوسیالیستی قابل تحقق است.

تکیه بر وجود "بقایای فئودالیسم" و یا "ضعف عینی و ذهنی طبقه کارگر" از مسائلی است که به عقیده پاره ای از مارکسیست ها شرایط ساختی را برای انقلاب دموکراتیک مهیا می سازد. حقیقت آنکه نگرش تئوریک مسلط بر این دسته از مارکسیست ها آنان را از درک و تحلیل صحیح از شرایط ساختی - تاریخی جامعه و ظرفیتهای انقلابی طبقه کارگر باز داشته است.

در این دفتر نظم نوین بخشی از مبحث انقلاب سوسیالیستی در ایران تحت عنوان افسانه انقلاب دموکراتیک مورد بررسی قرار گرفته است. تلاش کرده ایم بی پایگی چهار "رکن" انقلاب های دموکراتیک خلقی را، یعنی لزوم مبارزه "ضد امپریالیستی" (ضد وابستگی)، انتظار

براي رفع "ضعف عيني و ذهني طبقه کارگر"، حل دموکراتیک مسئله ارضي و بالاخره مبارزه ضد دیکتاتوري را نشان دهيم.

اما اين انقلاب سوسيالیستي است که در پويش حرکت مداوم خود براي پايه ريزي روابط جديدي که به محو طبقات منجر مي شود، و در فرايند سوسياليزه کردن توليد، در عين حال به حل ريشه‌اي وظايف "دموکراتیک" نیز دست خواهد زد.